



۲۰۱۴/۰۲/۰۴



نظر محمد مطمئن

جنجال اخير افغانستان و امريکا؛ خواسته های عربستان سعودي و پاکستان چيست؟

طراحان اصلی هجوم بر افغانستان و عراق رئیس جمهور آن وقت امريکا جورج دبليو بوش، دیک چینی معاون رئیس، رمز فيلد وزير دفاع، مشاور و دوست نزدیک بوش زلمی خلیل زاد، وزیر خارجه ميرمن رایس، جان بولتن نماینده امريکا در سازمان ملل و ویتس ولف معاون وزیر دفاع آن کشور بودند.

هفت مقام نامبرده امريکايی که به عنوان عاملین اصلی هجوم بر افغانستان و عراق، زجر، شکنجه و کشتار مردم بیگناه شناخته شده اند، از اعضای اصلی حزب جمهوری خواه امريکا اند.

در دوران ریاست جمهوری کلنتن دموکرات اقتصاد امريکا پیشرفت بی سابقه بی داشت؛ چنانکه در این دوران امريکا بابر خورداری از اقتصاد شگوفا، داشتن ارتش آموزش دیده و مجهز به پیشرفته ترین اسلحه، به اندازه بی برتری یافت که هیچ قدرت دیگری نمی توانست با آن همچشمی نماید.

رهبران دموکرات امريکا همیشه به شگوفایی اقتصادی امريکا و پیشرفت های درونی این کشور توجه داشته اند، اما رهبران جمهوری خواه این کشور برعکس، هر از گاهی بر جنگ و استفاده از مشت آهنین تاکید ورزیده اند.

جنگ نخستین عراق که زیر نام دفاع از کویت به راه انداخته شد، در زمان پدر جورج بوش صورت گرفت؛ هنگامی که دموکراتان بار دیگر به اریکه قدرت تکیه زدند، تا اندازه زیادی از مداخلات خارجی امريکا کاست؛ چنانکه کلنتن هیچگاه برای حمله به افغانستان مصمم نبود، تنها چند فروند راکت را بر ولایت خوست فیر کرد.

هنگامی جورج دبليو بوش به قدرت رسید، سیاست پدرش را احیا و دنبال نمود؛ نخست بر افغانستان سپس بر عراق هجوم برد.

جنگ عراق و افغانستان برای امريکايان هزینه هنگفتی در بر داشت؛ پایه های اقتصادی این کشور سست گردید، اتوریته ارتش آن به سطح جهانی مصدوم شد؛ فورمول های اسلحه پیشرفته آن به دست چین، ایران و روسیه افتاد و نیز زیر نام دموکراسی، رفتار های خشونت بار، فاجعه بار و استعماری امريکايان برای همه نمایان و وجهه جهانی امريکا را در انظار جهانیان مخدوش ساخت.

مردم عام در مجالس و جلسات ذات البینی در امريکا ابراز می دارند که دوران حکومت بوش به اندازه بی سیاه و منفور بود که امريکايان از ناگزیری آرای شان به صندوق اوبامای سیاه پوست ریختند، تا با این کار، ناکارآمدی های دوران بوش را جبران نمایند؛ پدر اوباما، فردی مهاجر و مسلمان، خودش در پوهنتونی استاد و از چهره های شناخته شده در سیاست امريکا بود.

سی. آی. ای بر جنگ اصرار دارد؛ آنها خواستار امضای پیمان امنیتی و حضور شماری از نیروهای امريکايی در منطقه هستند. جنرالان امريکايی هم بر جنگ پافشاری دارند؛ اخيرا جنرالان نظامی متعلق به جمهوری خواهان اظهار داشته اند که نیروهای امريکايی باید در افغانستان دارای پایگاه هایی باشند.

مایک کرسنال هم در اظهارات اخيرش خواستار دوام حضور نیروهای امريکايی در افغانستان گردیده است. زمانی که نامبرده به عنوان قوماندان عمومی نیروهای خارجی ایفای وظیفه می کرد نیز، بر جنگ اصرار ورزیده و از اوباما خواستار فرستادن نیروهای بیشتر به افغانستان گردیده بود؛ این امر، مایه برآشفته گی دموکراتان گردید که در نهایت اوباما مجبور شد، نامبرده را برکنار کند.

در هفته های اخير، مقام های بلندپایه جمهوری خواهان به صورت متداوم در اظهار نظر های شان پیرامون افغانستان خواستار امضای پیمان دفاعی واشنگتن – کابل و حضور دوامدار نیروهای امريکايی در این کشور گردیده اند. از سوی دیگر، مقام های مربوط حزب دموکرات تلاش می ورزند، تا جنگ افغانستان ختم و تمام نیروهای مستقر امريکايی از این کشور برگردند.

جوابیدن معاون رئیس جمهور اوباما نیز در هفته گذشته اظهار داشت که سربازان امريکايی باید از افغانستان فراخوانده شوند؛ در حقیقت چنین اظهار نظر بلندترین مقام امريکايی، جنرالان نظامی و مقام های سی. آی. ای امريکا را سراسیمه ساخته است.

اوباما در جریان انتخابات گذشته به مردم امريکا وعده سپرده بود که جنگ عراق را پایان می بخشد و همه سربازان را از افغانستان فرامی خواند؛ نامبرده این گفته هایش را در دسمبر سال گذشته بار دیگر تکرار کرد.

د پايو شميره: له ۱ تر ۳

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خپر و لولې

در ۵ جنوری ۲۰۱۴، رئیس جمهور کرزی ۱۱ نامزد ریاست جمهوری را به نان چاشت دعوت نموده بود؛ آقای عبدالله عبدالله در جریان این ضیافت آشکارا از کرزی خواسته بود: این مسئولیت شماسست که پیمان امنیتی را با امریکا امضاء نمائید؛ همچنان داکتر اشرف غنی احمدزی گفته بود که امضای این پیمان به نفع مردم و کشور ماست؛ بنابراین، بهتر است که امضاء شود؛ استاد سیاف به منافع و ضرورت های این پیمان اشاره داشته بود.

رئیس جمهور کرزی در مجلسی که ۱۱ کانديد و معاونان آنان حضور داشت، در این مورد ابراز داشت: آنچه را که داکتر عبدالله عبدالله آشکارا بیان داشت، داکتر اشرف غنی ناتمام گفت و استاد سیاف در لافافه ابراز داشت؛ تا زمانی که اطمینان حاصل نکرده ام، پیمان امنیتی را با امریکا امضاء نمی کنم.

آقای کرزی زمانی اشتباه بزرگی را مرتکب شد که بعد از لویه جرگه مشورتی و همزمان با آغاز جنجال در قبال امضای پیمان امنیتی با امریکاییان، به ایران سفر کرد؛ و پیرامون موافقتنامه استراتژیک میان افغانستان و ایران با جانب ایران بحث و مذاکره کرد.

این عملکرد آقای کرزی کشورهای عربی از جمله عربستان سعودی و امارات را ناراحت و آزرده خاطر ساخت؛ آنها فکر کردند که حرکت با آقای کرزی در یک مسیر شاید مشکل آفرین گردد.

از سوی دیگر، روابط امریکا و سعودی در قبال مسایل سوریه نیز به تیره گی گرانیده است. همچنان نزدیکی امریکا به ایران نیز سعودی را آشفته ساخته، اما روابط سعودی و پاکستان باز هم در حد شگوفا قرار دارد.

گفته می شود که سفر اخیر وزیر خارجه عربستان به پاکستان سفری بسیار مهم و با ارزش بود.

روابط طالبان با سعودی طی دوازده سال گذشته در نابسامانی قرار داشت؛ در اواخر دوره حکومت طالبان روابط سعودی با طالبان زمانی تیره گردید که ترکی الفیصل وزیر خارجه آن وقت سعودی با سخنان توهین آمیز طالبان در قندهار مواجه شد؛ توهین به این معنی نه که طالبان قصداً و عمداً به توهین وی پرداخته باشند؛ بلکه رهبران طالبان در قبال اسامه پیشنهاد وی را نپذیرفتند؛ بناء ترکی الفیصل دلسرد شد و با سخنان قهرآمیز ملامحمد عمر مواجه شد.

اکنون که روابط سعودی و امریکا به تیره گی گرانیده است، روابط واشنگتن و تهران روبه بهبود است؛ همچنان پاکستان نیز نمی تواند همانند گذشته سیاست دوگانه را تعقیب و در ظاهر با امریکا و در باطن منافع این کشور را صدمه بزند؛ این عواملی است که وزیر خارجه عربستان را رهسپار اسلام آباد ساخت.

ممکن وزیر خارجه عربستان طی این ملاقات از پاکستان تقاضا کرده باشد، پیام دوستی سعودی را به طالبان برساند و روابط این کشور را با آنها برقرار سازد؛ زیرا عربستان افزون بر اینکه در مصر با اخوان المسلمین همچشمی دارد؛ با اهل تشیع نیز مشکلات دارد؛ چنانکه بازیگران اصلی در سرنگونی حکومت اخوانی ها در مصر سعودی ها و اماراتی ها بودند.

طالبان هم این را به خوبی درک کرده اند که پیام دوستی سعودی ها از ناگزیری است؛ زمانی که روابط آنها با امریکا بهبود یابد، باردیگر طالبان را فراموش کرده و به خاطر تأمین منافع امریکا گام برمی دارد.

چنین به نظر می رسد که سعودی هم می خواهد عملاً در بازی های افغانستان اشتراک ورزند؛ در حال حاضر، سعودی ناگزیر اند تا به حمایت مخفیانه طالبان بپردازند و به صورت مخفیانه با تأسیس پایگاه های دایمی امریکا به مخالفت برخیزد؛ کاری که پاکستان نیز مخفیانه به آن توسل جسته است.

پاکستان نیز آقای کرزی را تشویق خواهد کرد تا از دوستی ایران و اهل تشیع دست بردارد و در عوض، روابطش را با سعودی و امارات استوارتر سازد.

طرز عملهای امریکا نیز در افغانستان هر ازگاهی با ناکامی مواجه شده است؛ زیرا که در سیاست های شان در قبال افغانستان به درستی نمی اندیشند.

امریکا در دوران جهاد به خاطر تعیین طرح های سیاسی اش نخست با رهبران جهاد در اسلام آباد مذاکره و مشاوره می کرد؛ دیدگاه های آنها را استماع سپس با علمای دینی، روشنفکران، افغان های مهاجر مقیم کمپ های پاکستانی و با قوماندانان جهادی در داخل افغانستان نیز بحث و گفتگو می کرد. بنابراین، نظریات و دیدگاه ها را پیرامون سیاست هایش در قبال افغانستان جمع آوری و در پرتو آن، به طرح سیاست ها و فیصله هایش پیرامون افغانستان می پرداخت.

در حال حاضر، امریکا بدون اینکه به دیدگاه افغان ها، علمای دینی، روشنفکران و قعی بگذارد، تنها مبنی بر دیدگاه چند تن افغان غربگرا به پایه ریزی سیاست هایش در قبال این کشور می پردازد؛ از همین رو است که هر رهنمود محکوم به شکست است.

در ۲۲ جنوری ۲۰۱۴، جنرالان ارتش امریکا از رئیس جمهور اوباما تقاضا کرده اند، تا ۱۰ ده هزار سرباز امریکایی در افغانستان بمانند؛ و تا پایان دوره ریاست جمهوری اش به صورت تدریجی همه سربازان را از افغانستان خارج نماید؛

در حالی که قبلاً نظامیان خواستار حضور ده ساله نیروها در افغانستان شده بودند؛ همچنان جنرالان امریکایی به اوپاما مشوره داده اند، اگر از ده هزار سرباز کمتر در افغانستان باقی بماند، بهتر آنست که همه سربازان فراخوانده شود. اوپاما، جوبایدن، جان کیری، چپک هیگل این چهار مقام بلندپایه امریکا هیچ یک طرفدار ماندن سربازان امریکایی در افغانستان نیستند؛ این چهار تن، در مجلس سنا سناتوران و هر چهار تن از اعضای کمیته روابط خارجی و از اعضای با صلاحیت این مجلس بودند.

این چهار تن، در زمان حمله بر عراق، مخالف این جنگ بودند؛ این چهار تن از افرادی اند که اسرائیل با ایشان میانه خوبی ندارد؛ همچنان کرزی و آی. ایس. آی هم از آنها خوش نیستند. اکنون که این چهار تن سکندار قدرت امریکا هستند، گفته می شود که آنها می خواهند جنگ افغانستان پایان یابد. در ۲۰۰۹ خانم کلینتن پیامی از واشنگتن به آقای کرزی سپرد که در آن گفته شده بود، امریکا دیگر نمی خواهد آقای قسیم فهیم به عنوان معاون رئیس جمهور و همچنان آقای دوستم در درون ساختار تشکیلاتی دولت صاحب قدرت و اقتداری باشند.

هنگامی که در انتخابات ۲۰۰۹ آقای کرزی برنده اعلان شد و معاون اول وی نیز آقای فهیم بود؛ پیام دیگری از سوی اوپاما به کرزی مواصلت ورزید که در آن گفته شده بود، در دوره ریاست جمهوری من، آقای فهیم و دوستم نمی توانند به امریکا سفر نمایند و هیچگاهی به آنها ویژه امریکا داده نخواهد شد.

از همین رو بود که سال های قبل آقای فهیم به خاطر تداوی بیماری قلبی اش به جرمنی رفت که برخی رسانه ها شایعه مرگش را نیز به نشر رساندند؛ گمان می رود که شایعه مرگ او را نیز برخی رسانه های خاص بنا بر اساس برنامه های از قبل سنجیده شده، به نشر سپرده بودند.

برخی گزارش حاکی از آنست که در حال حاضر نیز آقای فهیم به خاطر مشکلات صحتی اش به جرمنی رفته است. گفته می شود که آقای کرزی و فهیم هر دو تصمیم گرفته اند، تا در آینده باز هم سکان قدرت را در دست داشته باشند.

آقای کرزی و تیم وی از این خرسند اند که برنده انتخابات آینده امریکا جمهوری خواهان اند که حامی تیم آنهاست. هرچند خانم کلنتن به خاطر انتخابات آینده آماده گی های اش را تدارک دیده، اما شانس پیروزی اش کم است؛ زیرا دموکرات ها دو دوره ریاست جمهوری را عهده دار بودند؛ بنابراین، دوره سومی دشوار به نظر می رسد؛ اما اگر باز هم دموکراتان پیروز انتخابات شوند، معلوم است که تداوم قدرت دموکرات ها در کاخ سفید، به نفع آقای کرزی و تیم وی نیست؛ ولی اگر جمهوری خواهان پیروز انتخابات شناخته شوند؛ پس این شانس طلایی برای کرزی و تیم وی خواهد بود.

آقای کرزی خواستار آنست که شرایط وی پذیرفته شود، تا پیمان امنیتی را امضاء نماید؛ آنچه معلوم است شرط عمده وی آنست که قیوم کرزی برادر وی در انتخابات آینده رئیس جمهور اعلان شود.

در تاریخ ۲۲ جنوری ۲۰۱۴ برخی رسانه های گزارش کرده بودند که احتمال می رود پنج کاندید به نفع آقای قیوم کرزی از کاندیداتوری خود بگذرند؛ گفته می شود که در جمع آنها وزیر خارجه سابق آقای زلمی رسول نیز خواهد بود.

گمان می رود که جمهوری خواهان به این امر رضایت دارند، تا خانواده کرزی در قدرت باقی بماند، اما دموکرات های مخالف این امر هستند. آقای کرزی هم در دوران دوازده سال گذشته تجارب سیاسی قابل ملاحظه یی به دست آورده؛ در کنارش بازیگر پرتوان سیاسی و نظامی آقای فهیم هم حضور دارد؛ بنابراین حتی الوسع کوشش خواهد کرد در قدرت بماند؛ گفته می شود، که آقای فهیم نیز موافق است که با آقای قیوم کرزی در یک مسیر حرکت کند.

اگر سعودی و پاکستان به توافقاتی دست یابند و با طالبان روابط این کشورها بهبود یابد؛ همچنان دموکرات ها نیز زیر فشار سی. آی. آی. ای نرود؛ در این صورت امکان دارد نظام موجود سرنگون و با شراکت همه طرف های درگیر یک حکومت جدید به میان آید.

پایان